

Role of the personality attributes on quality of life of the bread winning women

- Sadegheh Aeinehvand** | Ph.D Student in Mass communication science, Science and Research branch, Tehran, Iran
- Ali Delavar*** | Distinguished Professor, Measurement and Measurement Dept., Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
- Afsaneh Mozaffari** | Associate Professor and Faculty Member of Azad University, Science and research Branch Tehra
- Nasim Majidi Ghahroodi** | Associate Professor and Faculty Member of Azad University, Central Tehran Branch.

Abstract

The purpose of this study was to investigate the role of personality traits in quality of life of female-headed households. The method of this research is applied in terms of purpose and in terms of data collection, it is a descriptive survey. The statistical population in this study is women heads of households referred to Entrepreneurship Centers of Tehran Municipality who visited in spring. About 4,400 people are reported to be members of the center. Therefore, 352 people who were selected by proportional stratified sampling method. The main tool for data collection in this research is questionnaire. The validity of this questionnaire was confirmed by validity (experts' approval) and construct validity (confirmatory factor analysis test). The reliability of the questionnaire was also confirmed by Cronbach's alpha coefficient. Questionnaire data were analyzed using LISREL software. The normality of the data from the questionnaire was confirmed by the Kolmogorov-Smirnov test. Then, the construct validity was confirmed by confirmatory factor analysis. Finally, regression analysis revealed that personality traits in general had a significant effect on the quality of life of female-headed households. Also, all five dimensions of personality traits (order of magnitude), such as empathy, agreeableness, neuroticism, extraversion, and conscientiousness, have a direct and significant effect on the quality of life of female-headed households.

Keywords: personality traits, quality of life, social responsibility, female household

* Corresponding Author: delaverali@yahoo.com

How to Cite: Aeinehvand, S., Delavar, A., Mozaffari, A., & Majidi Ghahroodi, N. (2021). Role of the personality attributes on quality of life of the bread winning women. *Educational Psychology*, 17(61), -. doi: 10.22054/jep.2022.48185.2821

نقش ویژگی‌های شخصیتی در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار

دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

صادقه آینه‌وند

استاد ممتاز گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

علی دلاور*

دانشیار، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

افسانه مظفری

استادیار، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

نسیم مجیدی قهرودی

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار است. روش این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی و همچنین علی-معلولی می‌باشد. جامعه آماری در این تحقیق زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به مراکز کارآفرینی شهرداری تهران می‌باشد که در بهار ۱۳۹۸ مراجعه کرده‌اند. طبق آمار حدود ۴۲۰۰ نفر عضو این مرکز می‌باشند. لذا حجم نمونه ۳۵۲ نفر تخمین زده شده است که به شیوه روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی نسبی بر اساس منطقه شهرداری انتخاب شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این تحقیق پرسشنامه می‌باشد. روایی این پرسشنامه از طریق روایی صوری (تأیید اساتید) و روایی سازه (آزمون تحلیل عاملی تأییدی) مورد تأیید قرار گرفت. همچنین به کمک ضریب آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه حاصل شد. داده‌های حاصل از توزیع پرسشنامه، به کمک نرم افزار لیزرل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نرمال بودن داده‌های حاصل از پرسشنامه ابتدا به کمک آزمون کولموگروف - اسمیرنوف مورد تأیید قرار گرفت. سپس به کمک آزمون تحلیل عاملی تأییدی روایی سازه مورد تأیید قرار گرفت. در پایان به کمک آزمون تحلیل مسیر معلوم شد که به طور کلی ویژگی‌های شخصیتی بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر معناداری دارد. همچنین هر ۵ بعد ویژگی‌های شخصیتی (به ترتیب میزان اثر) یعنی تجربه‌پذیری، دلبذیر بودن، روان‌نژندگرای، برون‌گرایی و وجدان‌گرایی) در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر مستقیم و معناداری دارند.

کلیدواژه‌ها: زنان سرپرست خانوار، کیفیت زندگی، مسئولیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی

مقدمه

زنان سرپرست خانوار جزء گروه آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند که با مشکلات، مصایب و موانع زیادی هم در سطح فردی و هم در سطح کلان در مقایسه با مردان سرپرست خانوار مواجهند که کیفیت زندگی آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد چرا که اکثراً این گروه به واسطه طلاق، فوت، اعتیاد یا از کارافتادگی همسر، رها شدن توسط مردان مهاجر یا بی‌مبالاتی چنین مردانی به عنوان سرپرست خانوار شناخته می‌شوند. پژوهش‌های زیادی در آمریکا، کانادا و همچنین ایران نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانوار تحت فشار بیشتری قرار می‌گیرند و عموماً با اختلالات روانی بیشتری روبرو می‌باشند و کیفیت زندگی پایین‌تری را تجربه می‌کنند (ریماز و همکاران، ۱۳۹۳). در واقع زنان سرپرست خانوار به دلیل مشکلات مالی، اجتماعی و روانشناختی خاصی که با آن روبرو هستند، کیفیت زندگی پایین‌تری دارند. کیفیت زندگی پایین منجر به این مسئله می‌شود که زنان سرپرست خانوار بیش از دیگر افراد جامعه در معرض آسیب‌های اجتماعی باشند (لافتا و همکاران، ۲۰۱۲). با توجه به اینکه کیفیت زندگی یکی از پیامدهای پراهمیت در ارزیابی‌های سلامت است و همچنین در تعریف سازمان جهانی بهداشت^۱ نیز به این نکته تاکید شده است (میکاییلی و همکاران، ۱۳۹۱). در واقع سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را تفسیر شخصی هر فرد از وضعیت زندگی‌اش در متن فرهنگ و نظام ارزشی که در آن به سر می‌برد، تعریف کرده است. به همین سبب یکی از عوامل اثرگذار بر آسیب‌پذیری یا بهزیستی افراد و کیفیت زندگی صفات شخصیت آن‌هاست. چرا که صفات شخصیت از طریق اثرگذاری بر تفسیر فرد از رویدادهای محیطی، فرایند انطباق و سلامت روانشناختی و جسمی را تخریب و یا تسهیل می‌کند (نظامی پور و احدی، ۱۳۹۴).

شخصیت بیانگر آن دسته از ویژگی‌های فردی است که الگوی ثابت رفتاری آنها را نشان می‌دهد. اگر چه خصوصیات شخصیتی زیادی وجود دارد اما از جمله مهمترین و با نفوذترین مدل‌ها در بررسی صفات شخصیت در دهه‌های اخیر مدل پنج‌عاملی بوده است که بیش از همه، پژوهش در حوزه شخصیت را به خود اختصاص داده است (شاکریان و همکاران، ۱۳۹۰). سازه شخصیت به طور کلی بر نحوه زندگی افراد و کیفیت زندگی آن‌ها به صورت چشمگیری اثرگذار است. شخصیت هر فرد اصلی‌ترین بعد و ساختار روانشناختی

1. World Health Organization / <https://www.who.int/>

هر فرد است که به شکل گیری سبک زندگی وی کمک می کند و نقش بسیار مهم و چشم گیری در سلامت افراد دارد. در واقع بسیاری از محققان معتقد هستند که شخصیت افراد مهم ترین عامل تاثیر گذار در سازگاری، سلامتی و کیفیت زندگی به شمار می آید و در ایجاد، کاهش یا از میان بردن علائم اختلالات روانی نقش مهمی را ایفا می کند (رعایی، ۱۳۹۴). بالا بودن کیفیت زندگی در هر کشور نشانه توسعه پایدار و همه جانبه در آن جامعه است و در نظر گرفتن زنان در برنامه های توسعه و تلاش برای بهبود وضعیت زندگی آن ها مساله ای است که برای رسیدن به پیشرفت همه جانبه نباید آن را نادیده گرفت. زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند و سلامت آنان زیربنای سلامت خانواده ها و جوامع است. از این رو مطالعه کیفیت زندگی زنان و سلامت زنان بسیار حائز اهمیت بوده است (فنی و همکاران، ۱۳۹۴). لذا با توجه به اهمیت کیفیت زندگی در زندگی زنان سرپرست خانوار و پیشگیری از آسیب های اجتماعی که زنان سرپرست خانوار در معرض آن ها هستند، انجام پژوهش در زمینه ارتقای کیفیت زندگی این زنان، امری حیاتی به شمار می رود. لذا پژوهشگر در این تحقیق قصد دارد نقش ویژگی های شخصیتی در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار را مطالعه نماید.

پیشینه پژوهش

با مرور پژوهش های صورت گرفته در زمینه تحقیق حاضر می توان دریافت که ابعاد صفات و ویژگی های شخصیتی، در بحث کیفیت زندگی موثر بوده اند. در ادامه به مرور پژوهش های داخلی و خارجی در این زمینه پرداخته می شود؛

لعلی سرابی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی و کیفیت زندگی پرداختند. این پژوهش با هدف تعیین ارتباط بین ویژگی های شخصیتی و کیفیت زندگی کارکنان در دانشگاه آزاد استان اصفهان انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را اعضای هیأت علمی و کارکنان دانشگاه تشکیل می دهد. تعداد ۱۸۰ نفر به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیات و روش، توصیفی - همبستگی می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه ویژگی های شخصیتی ۶۰ سوالی و کیفیت زندگی ۳۶ سوالی ویر و شربورن بود. داده ها توسط آزمون های آماری توصیفی، آزمون ضریب همبستگی، تحلیل رگرسیون و با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته های تحقیق نشان داد که با وجدان

بودن از ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند کیفیت زندگی را پیش‌بینی کند. توکل‌ی کوه‌چهری و کهرآزئی (۱۳۹۶) به مطالعه رابطه ویژگی‌های شخصیتی با کیفیت زندگی همسران بیماران دچار ناتوانی جسمانی پرداختند. این پژوهش، مطالعه‌ای پیمایشی از نوع همبستگی است که در سال ۹۴-۱۳۹۳ انجام شد. جامعه این تحقیق را تمامی همسران بیماران دچار ناتوانی جسمانی تحت پوشش سازمان بهزیستی کرمان تشکیل می‌دهند. از این جامعه ۱۰۰ نفر از همسران بیماران دچار ناتوانی جسمانی به روش در دسترس انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه شخصیتی پنج‌عاملی نئو و پرسش‌نامه ۳۶ سؤالی کیفیت زندگی واروشربون استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS، آمار توصیفی، روش همبستگی و تحلیل رگرسیون تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل از داده‌ها نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی مانند برون‌گرایی، دلپذیربودن و مسئولیت‌پذیری، با کیفیت زندگی همسران افراد دچار ناتوانی جسمانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین ویژگی‌های شخصیتی روان‌نژندی با کیفیت زندگی همسران افراد دچار ناتوانی جسمانی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به نتایج می‌توان استنباط کرد که ویژگی‌های شخصیتی مراقبان افراد معلول، ارتباط مؤثری با کیفیت زندگی آنان و به تبع آن بیماران دارد و بستر مناسبی را برای کاهش مشکلات ناشی از بیماری برای خانواده و بیماران فراهم می‌کند.

پریرا و همکاران (۲۰۱۸) به مطالعه ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی: نقش واسطه استراتژی‌های مقابله و پریشانی روانی پرداختند. هدف اصلی این مطالعه بررسی ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی مشخص در نمره‌های کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی و کشف چگونگی ارتباط این سبک با شیوه‌های مقابله و پریشانی روانی می‌باشد. ویژگی‌های شخصیتی که بهترین پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی بود، باز بودن تجربه، ایجاد یک مدل توضیحی برای کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی، همراه با سبک مقابله‌ای هیجانی و علائم افسردگی و اضطراب بود. سبک مقابله‌ای هیجانی و پریشانی روانی، واسطه‌ی ارتباط بین باز بودن و کیفیت زندگی مرتبط با سلامتی بودند. اسکیندر ماتیکا و همکاران (۲۰۱۶) به تحلیل ویژگی‌های شخصیتی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی زنان یائسه با توجه به عوامل ژنتیکی پرداختند. کیفیت زندگی را می‌توان به عنوان یک ارزیابی ذهنی از جنبه‌های مختلف عملکرد انسان شناخت. ویژگی‌های شخصیت فاکتوری است که

اقدامات انجام شده توسط افراد و گرایش آنها به واقعیت را به نحوی خاص تعیین می‌کند. در این پژوهش فرض بر این است که شخصیت ممکن است بر ارزیابی کیفیت زندگی تأثیر بگذارد. همچنین در این پژوهش تأثیر شخصیت بر کیفیت زندگی زنان یائسه بررسی می‌شود. این مطالعه شامل ۲۱۴ زن یائسه در شمال غربی لهستان بود. این پژوهش با استفاده از پرسشنامه NEO-FFI و SF-36 انجام شد. میانگین سن زنان ۵۶٫۸ بود. نتایج نشان داد صفات شخصیتی ممکن است به ارزیابی کیفیت زندگی کمک کند. مداحی و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی کیفیت زندگی و صفات شخصیتی پنج عامل عوامل اضطراب مرگ در دانشجویان دانشگاه شاهد پرداختند. هدف این پژوهش بررسی رابطه کیفیت زندگی و ویژگی‌های شخصیتی و اضطراب مرگ است. صفات شخصیت شامل پنج جزء پرسشنامه پنج عامل NEO شامل روان‌نژندی، باز بودن، توافق‌پذیری، برون‌گرا و وجدان بودن است. ۵۵ دانشجوی دانشگاه شاهد به عنوان گروه کنترل انتخاب شدند. نتایج به دست آمده نشان داد که بین کیفیت زندگی و صفات شخصی قابل قبول رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد و بین ویژگی‌های شخصیتی نورولوژیک رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر این، بین کیفیت زندگی و دیگر ویژگی‌های شخصیتی (بی‌ثباتی، باز بودن و وجدان) ارتباط معناداری وجود دارد اما ارتباط معنی‌داری با اضطراب مرگ وجود دارد. همبستگی مثبت و معنی‌داری با اضطراب مرگ و ویژگی‌های شخصیتی روانشناختی وجود دارد که همبستگی منفی با صفات شخصیت مطلوب دارد و همبستگی منفی با دیگر ویژگی‌های شخصیتی (برونگرایی، باز بودن و وجدان) دارد. بال و ساهین (۲۰۱۱) به مطالعه تأثیر ویژگی‌های شخصیتی زنان و برخی متغیرهای جامعه‌شناختی بر کیفیت زندگی (QoL) آنان پرداختند. این مطالعه مقطعی و همبستگی در میان ۳۲۰ زن ترک بین ۴۵ تا ۶۴ ساله انجام شد. در این پژوهش از مقیاس شخصیت سروانتس و پرسشنامه کیفیت زندگی یائسگی جمع‌آوری شد. میانگین سن شرکت‌کنندگان ۵۱٫۸ سال بود. کیفیت زندگی یائسگی با وضعیت تحصیلات، سطح درآمد، وضعیت کار، روال تمرین، مشکلات سلامتی مزمن، حمایت از خانواده / دوستان و وقایع منفی زندگی ارتباط دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سطوح بالاتری از درونگرایی و سطوح بالاتر روان‌رنجوری منجر به کاهش کیفیت زندگی در زنان یائسه می‌شود. نتایج این مطالعه از این فرضیه پژوهش پشتیبانی می‌کند که ویژگی شخصیت در طول دوره انتقال یائسگی نقش مهمی در کیفیت زندگی زنان بازی می‌کند. چپو و

همکاران (۲۰۰۸) به مطالعه عامل‌های اثرگذار بر کیفیت زندگی زنان در نیمه پایانی زندگی‌شان پرداختند. در میان زنان مسن‌تر در شرق آسیا، و به‌طور خاص تایوان، تحقیقات کمی در مورد کیفیت زندگی و مراقبت‌های بهداشتی دریافت شده برای رسیدگی به علائم یائسگی وجود دارد. این مطالعه عوامل موثر بر کیفیت زندگی زنان میان‌ساله در تایوان را مورد بررسی قرار داد. در این مطالعه مقطعی ۱۲۵۰ زن در سن ۴۳ تا ۷۷ سالگی در سال ۲۰۰۲ بررسی شدند. برای آزمون روابط مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها، همبستگی، رگرسیون چندگانه و تجزیه مسیر مورد استفاده قرار گرفت. سن، وضعیت زناشویی، تحصیلات و پوکی استخوان نیز دارای اثرات مستقیم و غیرمستقیم، مثبت و منفی دیگر بر اجزای کیفیت زندگی هستند. در هنگام برنامه‌ریزی برای ارتقای سلامت زنان بعد از میانسالی، باید به کاهش علائم و همچنین کیفیت زندگی توجه کرد. چپمن و همکاران (۲۰۰۷) به مطالعه صفات شخصیتی، کیفیت زندگی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت از جمله مراقبت‌های اولیه از افراد مسن پرداختند. هر دو آموزش پایین و ویژگی شخصیتی روان‌نژندی با کیفیت زندگی مرتبط با سلامت زندگی در افراد مسن همراه است، اما نقش دیگر ویژگی‌های شخصیتی کمتر شناخته شده است. در این پژوهش به بررسی ۵ ویژگی شخصیتی کاستم و مک کری و سلامت سالمندان در طیفی از بیماری‌ها پرداخته شد.

بنا به تعریف سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی، درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌های‌شان است. پس موضوعی کاملاً ذهنی بوده و توسط دیگران قابل مشاهده نیست و بر درک افراد از جنبه‌های مختلف زندگی استوار است (شکریازی و حیاتی، ۱۳۹۵). مفهوم کیفیت زندگی ابتدا به حوزه‌های بهداشتی و بیماری‌های روانی محدود می‌شد، اما در طی دو دهه گذشته، این مفهوم از زمینه‌های بهداشتی، زیست محیطی و روانشناختی صرف، به مفهومی چندبعدی ارتقاء یافته است. امروزه علاوه بر عوامل فوق، در بررسی‌های مربوط به کیفیت زندگی، از عوامل اقتصادی و اجتماعی نیز یاد می‌کنند (فنی و همکاران، ۱۳۹۴). کیفیت زندگی مقوله‌ای میان‌رشته‌ای و مفهومی چندبعدی و پویا می‌باشد که متشکل از ابعاد عینی و ذهنی است. کیفیت زندگی از زمان و مکان جغرافیایی و نظام ارزشی جامعه متأثر می‌باشد و به احساس رضایت فرد از شرایط زندگی اطلاق می‌شود. برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت زندگی شهری هم با آمار و ارقام‌های عینی و واقعی زندگی

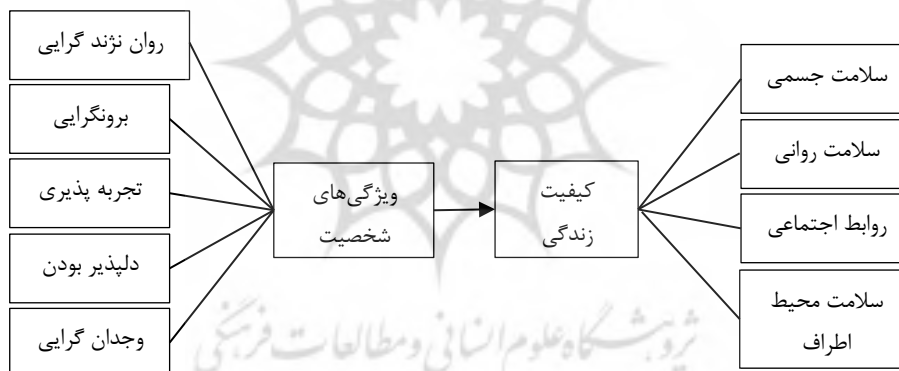
شهروندان و هم با درک روانی و ذهنی افراد از موقعیت زندگی آن‌ها در ارتباط است. چه بسا افرادی با امکانات مالی مناسب، در ذهن خود هیچ احساس رضایتی از زندگی خویش نداشته باشند و یا برعکس افرادی با سطح پایینی از استانداردهای زندگی، به عللی متفاوت از زندگی خویش اظهار رضایت نسبی و یا حتی کامل داشته باشند. در همین ارتباط تحقیقات بین‌المللی نیز بر این نکته تاکید دارد که داشتن شرایط زندگی مناسب با تخمین شاخص‌های عینی همیشه به معنی شادی و احساس سلامت نیست و برعکس (اسچینز و بولهوور، ۲۰۰۴).

شخصیت به ویژگی‌های بیرونی و قابل رویت افراد اشاره دارد. اما شخصیت تنها به نقابی که بر چهره زده شده و نقشی که بازی می‌شود اشاره ندارد. هنگامی که از شخصیت سخن به میان می‌آید، ویژگی‌های متعدد فرد، کلیت یا مجموعه خصوصیات گوناگون که از صفات جسمانی فراتر می‌رود لحاظ می‌شود. این واژه تعداد زیادی از خصوصیات ذهنی و هیجانی را در بر می‌گیرد، خصوصیتی که ممکن است نتوان به طور مستقیم آن‌ها را دید و یک فرد شاید سعی کند آن‌ها را مخفی نماید (کارگرشورکی و همکاران، ۱۳۹۵). ویژگی‌های شخصیتی، عمدتاً به توصیف و پیش‌بینی رفتار انسان می‌پردازد تا اینکه در ارتباط با گسترش و تغییر در آن باشد. ویژگی‌های شخصیتی، ریشه تفاوت‌هایی را که می‌تواند منجر به نتایج گوناگونی گردند را نشان می‌دهند (لیانو و لی، ۲۰۰۹). ویژگی‌های شخصیتی عبارت است از مجموعه سازمان یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و پایدار که یک فرد را از فرد دیگر متمایز می‌سازد و می‌تواند مبنای درجه بندی یا اندازه‌گیری افراد قرار گیرد (شاملو، ۱۳۹۱). در واقع ویژگی‌های شخصیتی، صفات پایداری هستند که از موقعیتی به موقعیت دیگر چندان تغییر نمی‌کنند. آن‌ها گرایش‌های باثبات و بادوام پاسخ‌دهی به شیوه یکسان به محرک‌های مختلف می‌باشند و می‌توانند، پیش‌بینی کننده‌ی رفتار فرد در موقعیت‌های مختلف باشند. این ویژگی‌ها می‌توانند فرد را در برابر برخی اختلالات آسیب‌پذیر سازند. نظریه‌ی پنج‌عاملی شخصیت امروزه یکی از جامع‌ترین نظریات در عرصه‌ی

مطالعه شخصیت می باشد که متشکل از پنج عامل بزرگ شخصیتی روان نژند گرای^۱، برون گرای^۲، با وجدان بودن^۳، انعطاف پذیری^۴، و خوشایندی^۵ است (خانجانی و اکبری، ۱۳۹۰). در باب شخصیت، نظریه پنج عامل کاستم و مک کری است. بر اساس این دیدگاه شخصیت دارای سلسله مراتبی با پنج بعد اصلی در بالاترین مرتبه و قابل فروگاهی به اجزا یا صفات رده پایین تر است. پنج عامل اصلی شخصیت شامل روان نژند گرای^۱، برونگرایی^۲، تجربه پذیری^۳، دلپذیر بودن و وجدان گرای^۴ هستند. از طرفی تعاریف مختلفی از کیفیت زندگی صورت گرفته است و شاخص های مختلفی را برای سنجش سطح آن در یک جامعه استفاده کرده اند که بدون شک معتبرترین آن ها بنا بر تعریف سازمان بهداشت جهانی است که کیفیت زندگی در ۴ بعد تعریف می شود که شامل سلامت جسمی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیط اطراف.

این مدل بر اساس بررسی مبانی نظری تحقیق، به شکل ذیل تدوین گردیده است؛

شکل ۱. مدل تحقیق



روش

روش این تحقیق از نظر نوع پژوهش یک تحقیق کمی، از نظر هدف یک تحقیق توسعه‌ای و کاربردی است. همچنین این تحقیق از نظر استراتژی تحقیق یک پژوهش توصیفی از نوع

1. Neuroticism
2. Extroversion
3. Conscientiousness
4. Openness
5. Agreeableness

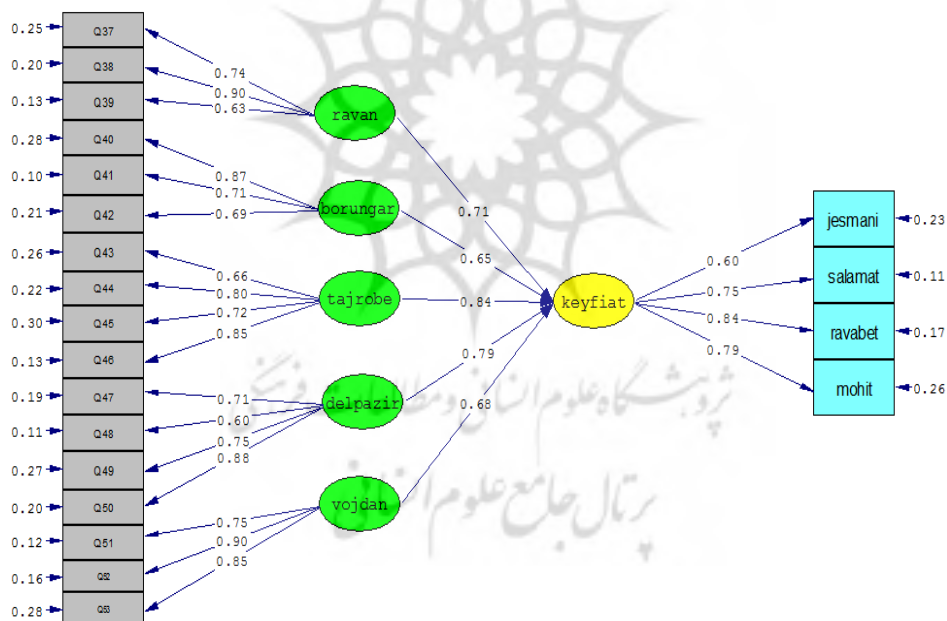
پیمایشی و همچنین علی-معلولی می‌باشد. بعلاوه مبانی نظری این تحقیق که به کمک روش کتابخانه‌ای و با ابزار مقالات و کتاب‌ها و سایت‌ها و... بدست آمد. همچنین داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیات تحقیق نیز به کمک روش میدانی و با ابزار پرسشنامه بدست آمد. جامعه آماری در این تحقیق زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به مراکز کارآفرینی شهرداری تهران می‌باشد که در بهار ۱۳۹۸ مراجعه کرده‌اند. طبق آمار حدود ۴۲۰۰ نفر عضو این مرکز می‌باشند. با توجه به حجم جامعه ۴۲۰۰ نفری تحقیق، حجم نمونه در این تحقیق از فرمول کوکران برای جامعه محدود به دست آمده است. که حجم نمونه ۳۵۲ نفر تخمین زده شده است. همچنین در این تحقیق، برای انتخاب ۳۵۲ نفر از بین ۴۲۰۰ نفر از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی نسبی بر اساس منطقه شهرداری استفاده شده است.

همچنین برای سنجش کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار، از پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی استفاده کرده است که شامل چهار بعد و ۲۶ سوال می‌باشد، همچنین به منظور شناخت ویژگی‌های شخصیتی زنان سرپرست خانوار، از پرسشنامه استاندارد نئو استفاده می‌شود که دارای ۵ بعد است، استفاده می‌شود. در مجموع پرسشنامه از دو بخش سؤالات عمومی و سؤالات تخصصی تشکیل گردیده است.

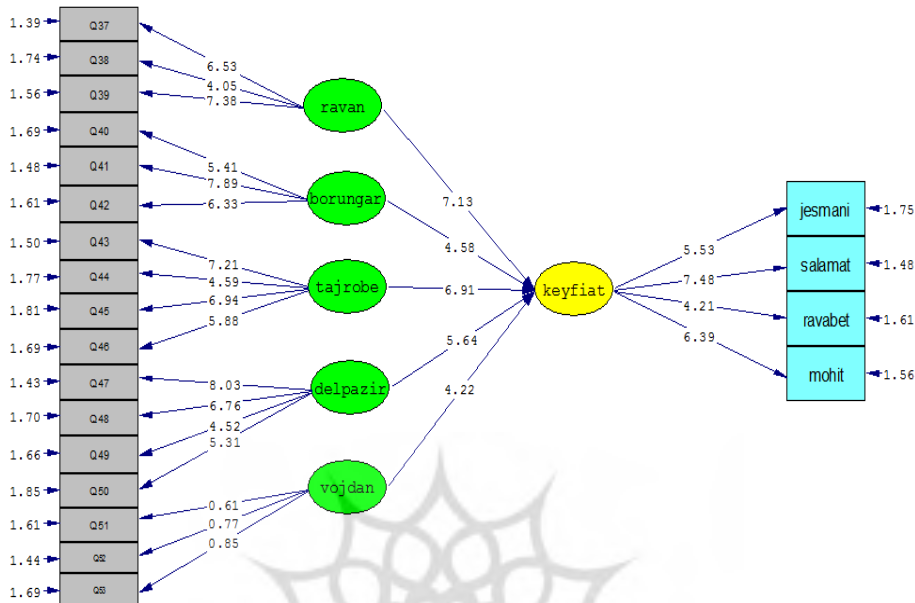
پایایی و روایی در این تحقیق با توجه به این که در این تحقیق از تلفیق چند پرسشنامه استاندارد استفاده شده است؛ لذا محقق بعد از ترجمه آن‌ها، برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده شده است؛ به این صورت که پرسشنامه به یازده صاحب‌نظر داده شد و از آنان در مورد هر سؤال و توانایی آن سؤال در خصوص ارزیابی هدف مربوطه نظرخواهی شد و با نظر آنان اصلاحات جزئی در پرسشنامه صورت گرفت و در نهایت روایی پرسشنامه توسط آنان مورد تأیید قرار گرفت. همچنین به منظور سنجش پایایی تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ که نوعی ضریب پایایی است که نشان می‌دهد چگونه آیتم‌ها در یک مجموعه، به نحو مناسب به یکدیگر گره خورده‌اند، استفاده شد. برای این کار محقق ۳۰ پرسشنامه را در نمونه اولیه تحقیق توزیع و بعد از جمع‌آوری و استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، با توجه به این که پایایی هر متغیر و همچنین پایایی کل پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ می‌باشد (مقدار مجاز) لذا می‌توان مدعی شد که پرسشنامه این تحقیق از پایایی کافی برخوردار می‌باشد.

در این پژوهش، محقق باید به کمک روش معادلات ساختاری به بررسی مدل پیشنهادی تحقیق بپردازد. اما ابتدا به کمک آزمون کلموگراف-اسمیرنوف، نرمال بودن داده‌های حاصل از پرسشنامه را مورد بررسی قرار داده است چرا که این مساله یکی از شروط استفاده از نرم افزار مناسب در روش معادلات ساختاری می باشد. با توجه به نرمال بودن داده‌ها؛ لذا در این بخش محقق می تواند به کمک نرم افزار لیزرل (آزمون تحلیل مسیر) به آزمون فرضیات تحقیق بپردازد. اما قبل از آن محقق به کمک آزمون تحلیل عاملی تاییدی به بررسی هر یک از متغیرهای تحقیق پرداخت تا روایی سازه متغیرها را تایید شود. در واقع هدف از انجام آزمون تحلیل عاملی تاییدی این مساله است که معلوم شود سوالات هر متغیر به خوبی متغیرهای خود را سنجیده اند (در دو حالت ضریب معناداری و تخمین استاندارد). سپس به کمک آزمون تحلیل مسیر به بررسی مدل تحقیق پرداخت

شکل ۲. مدل تحقیق در حالت ضریب استاندارد



شکل ۳. مدل تحقیق در حالت ضریب معناداری



برای بررسی میزان برازش این مدل تحقیق از شاخص‌های خاصی مثل نیکویی برازش^۱، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده^۲، ریشه میانگین مربعات باقیمانده^۳، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب^۴، شاخص برازش هنجار شده (بنتلر- بونت)^۵ و شاخص برازش افزایشی^۶ استفاده می‌گردد که در این تحقیق همه این شاخص‌ها در مقایسه با مقدار مجاز در وضعیت مطلوب تری قرار دارد که نتایج حاکی از برازش مطلوب می‌باشد. در واقع مدل زمانی نیکو است که ضرایب محاسبه شده در محدوده مجاز قرار گرفته باشند، اگر ضرایب محاسبه شده در خارج از محدوده مجاز باشند، بدین معنی است که آن شاخص ضعیف برازش شده است. وضعیت شاخص‌های مدل ساختاری مدل فوق نشان داده که شاخص‌ها، برازش خوبی دارند. با توجه به یافته‌های حاصل از آزمون تحلیل مسیر، فرضیه اول تا پنجم تحقیق به بررسی اثر ابعاد ویژگی‌های شخصیتی بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار پرداخته است.

1. GFI
2. AGFI
3. RMR
4. SRMR
5. NFI
6. IFI

جدول ۱. نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری: فرضیه های تحقیق

شماره فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب استاندارد	ضریب معناداری	نتیجه
فرضیه اول	روان نژندگرایی	کیفیت زندگی	۰/۷۱	۷/۱۳	رد H_0
فرضیه دوم	برونگرایی	کیفیت زندگی	۰/۶۵	۴/۵۸	رد H_0
فرضیه سوم	تجربه پذیری	کیفیت زندگی	۰/۸۴	۶/۹۱	رد H_0
فرضیه چهارم	دلپذیر بودن	کیفیت زندگی	۰/۷۹	۵/۶۴	رد H_0
فرضیه پنجم	وجدان گرایی	کیفیت زندگی	۰/۶۸	۴/۲۲	رد H_0

در نرم افزار Lisrel و برای تأیید و رد فرضیات تحقیق اصولاً از مقدار ضریب معناداری و ضریب استاندارد استفاده می شود. در صورتی که مقدار ضریب معناداری بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱/۹۶- می باشد و همچنین در صورتی که ضریب استاندارد کم تر از ۰/۵ و یا بیشتر از ۰/۵- باشد، می توان فرضیه H_0 را رد نمود.

- در فرضیه اول: از آن جا که بر اساس جدول فوق، مقدار ضریب معناداری بدست آمده از حالت ضریب معناداری برابر است با (۴/۵۸) که این مقدار بزرگتر از ۱/۹۶ می باشد، و همچنین ضریب استاندارد بین دو متغیر برابر است با (۰/۷۱) است که این مقدار بالاتر از ۰/۵ می باشد؛ لذا می توان نتیجه گرفت که با اطمینان ۹۵٪، فرضیه H_0 رد و H_1 تأیید می گردد. به عبارت دیگر: روان نژندگرایی در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر مستقیم و معناداری (۰/۷۱) دارد. از این رو فرضیه اول پژوهش مورد تأیید است.
- در فرضیه دوم: از آن جا که بر اساس جدول فوق، مقدار ضریب معناداری بدست آمده از حالت ضریب معناداری برابر است با (۶/۹۱) که این مقدار بزرگتر از ۱/۹۶ می باشد، و همچنین ضریب استاندارد بین دو متغیر برابر است با (۰/۶۵) است که این مقدار بالاتر از ۰/۵ می باشد؛ لذا می توان نتیجه گرفت که با اطمینان ۹۵٪، فرضیه H_0 رد و H_1 تأیید می گردد. به عبارت دیگر: برونگرایی در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر مستقیم و معناداری (۰/۶۵) دارد. از این رو فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید است.
- در فرضیه سوم: از آن جا که بر اساس جدول فوق، مقدار ضریب معناداری بدست آمده از حالت ضریب معناداری برابر است با (۵/۶۴) که این مقدار بزرگتر از ۱/۹۶ می باشد، و همچنین ضریب استاندارد بین دو متغیر برابر است با (۰/۸۴) است که این مقدار بالاتر از ۰/۵ می باشد؛ لذا می توان نتیجه گرفت که با اطمینان ۹۵٪، فرضیه H_0 رد و H_1 تأیید

می‌گردد. به عبارت دیگر: تجربه پذیری در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر مستقیم و معناداری (۰/۸۴) دارد. از این رو فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید است.

• در فرضیه چهارم: از آن‌جا که بر اساس جدول فوق، مقدار ضریب معناداری بدست آمده از حالت ضریب معناداری برابر است با (۴/۲۲) که این مقدار بزرگ‌تر از ۱/۹۶ می‌باشد، و همچنین ضریب استاندارد بین دو متغیر برابر است با (۰/۷۹) است که این مقدار بالاتر از ۰/۵ می‌باشد؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که با اطمینان ۹۵٪، فرضیه H_0 رد و H_1 تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر: دلپذیر بودن در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر مستقیم و معناداری (۰/۷۹) دارد. از این رو فرضیه چهارم پژوهش مورد تأیید است.

• در فرضیه پنجم: از آن‌جا که بر اساس جدول فوق، مقدار ضریب معناداری بدست آمده از حالت ضریب معناداری برابر است با (۴/۹۹) که این مقدار بزرگ‌تر از ۱/۹۶ می‌باشد، و همچنین ضریب استاندارد بین دو متغیر برابر است با (۰/۶۰) است که این مقدار بالاتر از ۰/۵ می‌باشد؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که با اطمینان ۹۵٪، فرضیه H_0 رد و H_1 تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر: وجدان‌گرایی در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر مستقیم و معناداری (۰/۶۰) دارد. از این رو فرضیه پنجم پژوهش مورد تأیید است.

بحث و نتیجه‌گیری

محقق پس از تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه و آزمون فرضیات، به نتایج ذیل رسید؛

با توجه به آزمون تحلیل مسیر معلوم شد که روان‌نژند‌گرایی در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر منفی معناداری دارد. به عبارت دیگر در صورتی که زنان سرپرست خانوار خود را تحت فشارهای روحی، تنهایی و غم، تنش، دل‌سردی و احساس درماندگی توصیف کنند، می‌تواند بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار شامل سلامت جسمی، روانی، محیطی و روابط اجتماعی تاثیرگذار باشد. این مساله می‌تواند به این خاطر باشد که یکی از عوامل اثرگذار بر آسیب‌پذیری یا بهزیستی افراد و کیفیت زندگی صفات شخصیت آنهاست. صفات شخصیت از طریق اثرگذاری بر تفسیر فرد از رویدادهای محیطی، فرایند انطباق و سلامت روانشناختی و جسمی را تخریب و یا تسهیل می‌کند. در این میان روان‌نژند‌گرایی با تاثیر سوئی که به تفسیر و توصیف رویدادها در زندگی افراد دارد، اثرات منفی

بر وجوه کیفیت زندگی افراد دارد. چرا که فرد با احساسات ناخوشایند و بدبینی، عملکردهای طبیعی زندگی خود را با مشکل مواجه می‌کند و موجب به مخاطره افتادن کیفیت زندگی خویش می‌شود. در واقع در بسیاری از پژوهش‌ها روان‌نژندگرایی تاثیر منفی سلامت روحی و جسمی افراد داشته و حتی روابط اجتماعی وی را تخریب می‌نماید و موجب نارضایتی از شرایط زندگی می‌گردد. در واقع روان‌نژندگرایی با از بین بردن شادکامی و خوش بینی زنان سرپرست خانوار، آنان را در معرض آسیب‌های روحی، جسمی و اجتماعی می‌نماید که این عناصر کیفیت زندگی آنان را مختل می‌کند. چرا که این عواطف شکننده مانع از ایجاد حس شادکامی و موفقیت و بروز توانمندی آنان می‌شود. در فرضیه دوم تحقیق معلوم شد که برونگرایی در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر معناداری دارد. به عبارت دیگر در صورتی که زنان سرپرست خانوار، سر حال و سر زنده، سرشار از انرژی، خوش بین و فعال باشند، می‌تواند بر کیفیت زندگی آنان شامل سلامت جسمی، روانی، محیطی و روابط اجتماعی تاثیرگذار باشد. این مساله می‌تواند به این خاطر باشد که افراد برون‌گرا متمایل به عضویت در گروه‌های متعددی هستند و از شبکه‌های خانواده و دوستان به عنوان حمایت اجتماعی استفاده می‌کنند، در نتیجه کنار آمدن با مشکلات برای آنها آسان‌تر است و در مقابله با مسایل خود امید بالایی دارند. برونگرایی، از طریق تقویت آمادگی فرد در زمینه روابط و عواطف اجتماعی، تجربه حوادث لذت بخش و عواطف مثبت را افزایش می‌دهد و از این طریق به فرد کمک می‌کند تا در شرایط آرام یافته‌تر و خوشبینانه‌تر از توانمندی‌های ارتباطی و شناختی خود برای ارزیابی عواطف و هیجان‌ها استفاده کند. ویژگی‌های دیگر برونگرایی شامل مثبت بودن، قاطعیت و اجتماعی بودن نیز می‌توانند به سهم خود آمادگی‌های فرد را در زمینه روابط و عواطف اجتماعی تقویت و همین امر سبب بهینه‌تر جنبه‌های مختلف سلامت روان، امید به زندگی و کیفیت زندگی افراد گردد.

همچنین تجربه‌پذیری در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر معناداری دارد. به عبارت دیگر در صورتی که زنان سرپرست خانوار، حس کنجکاوی و لذت جویی برای کسب تجارب جدید داشته باشند، می‌تواند بر کیفیت زندگی آنان شامل سلامت جسمی، روانی، محیطی و روابط اجتماعی تاثیرگذار باشد. این مساله می‌تواند به این خاطر باشد که این نوع ویژگی‌های شخصیتی با نگرش‌های مثبت نسبت به تجربه‌های جدید همراه است و

افرادی که تجربه پذیرند عموماً هوشمند، گشوده و روشنفکر هستند و در مقابل مسائل مختلف زندگی با انعطاف بیشتری برخورد می‌کنند. به تجربه‌های جدید با دیدی مثبت نگاه می‌کنند. به ویژه امروزه که بسیاری از جوامع شهری لاجرم با تغییر و تحول و چالش‌های جدیدی روبرو هستند و تغییر جز لاینفک زندگی افراد محسوب می‌شود. لذا زنان سرپرست خانواری که دارای چنین ویژگی شخصیتی هستند با مسائل زندگی خود توان رویارویی بهتری داند و بهتر نیز عمل می‌کنند. این عملکرد بهتر نیز بر کیفیت زندگی‌شان اثرگذار است چرا که آنان را توانمند نموده است تا بر چالش‌های روابط و محیط پیرامونی خود فائق شوند و از طرفی با رویکردی هوشمندانه و با دیدی باز سلامت روانی و جسمانی خود را تضمین می‌کنند. در فرضیه چهارم تحقیق با توجه به آزمون تحلیل مسیر معلوم شد که دلپذیر بودن در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر معناداری دارد. به عبارت دیگر در صورتی که زنان سرپرست خانوار، دیگران دوستشان دارند و اطرافیان را با حسن نیت می‌بینند و به دیگران سریعاً اعتماد کنند، می‌تواند بر کیفیت زندگی آنان شامل سلامت جسمی، روانی، محیطی و روابط اجتماعی تاثیرگذار باشد. این مساله می‌تواند به این خاطر باشد که ویژگی‌های شخصیتی بر شیوه رویارویی افراد با مشکلات مؤثر است، در حالی که برخی در مواجهه با مشکلات در خود فرو می‌روند، برخی دیگر احساسات و هیجانات خود را ابراز می‌کنند یا از دیگران کمک می‌خواهند. بسته به نوع ویژگی‌های شخصیتی، هر فرد در برابر محیط، واکنش خاصی از خود نشان می‌دهد. برخی ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند توان افراد را در رویارویی با مسائل مختلف زندگی، افزایش دهند و برخی نیز توان افراد را کاهش می‌دهند. ویژگی دلپذیری به سبب آنکه همانند برونگرایی، شاخص توافق بر گرایش‌های ارتباطی بین فردی تاکید دارد. افراد دارای نمرات بالا در این شاخص به دیگران اعتماد بیشتری دارند، ساده، مخلص و بی‌ریا هستند اما نمرات پایین در مقیاس دلپذیر بودن به دیگران بدگمان و بدبین، چاپلوس دیگران و گاهی پرخاشگر و کمتر تحت تاثیر رحم و شفقت دست به بخشندگی می‌زنند، دلپذیری سبب شکل‌گیری نگاهی مثبت به محیط اطراف و روابط فرد می‌شود، روح و روان فرد کمتر دچار عوارض ناخوشایند می‌شود و در کل به افراد کمک می‌کند تا نگاه مثبت‌تری به زندگی داشته باشند و نهایتاً در فرضیه پایانی تحقیق مشخص شد وجدان‌گرایی در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار اثر معناداری دارد. به عبارت دیگر در صورتی که زنان سرپرست خانوار، خود را فردی مرتب و منظم بدانند که

طبق برنامه کار می‌کند و برای اهدافش شدیداً تلاش می‌کند، می‌تواند بر کیفیت زندگی آنان شامل سلامت جسمی، روانی، محیطی و روابط اجتماعی تاثیرگذار باشد. این مساله می‌تواند به این خاطر باشد که عموماً افرادی که دارای ویژگی شخصیتی وجدان‌گرایی هستند، منظم و هدف‌مند هستند و علاقه‌مند به رشد و پیشرفت و تعالی هستند. این افراد دارای قوه تعمق و تفکر خوبی هستند و به ارزیابی اعمال و رفتار خود می‌پردازند. زنان سرپرست خانواری که حائز این ویژگی هستند، بیشتر به خود و نتایج کارشان متمرکز هستند و کمتر به مسائل پیرامونی و مشکلات خارج از خود اهمیت می‌دهند، لذا با تمرکز بر یک هدف، و داشتن پشتکار رو به جلو حرکت می‌نمایند و همین روحیه کیفیت زندگی آنان را بهبود می‌بخشد چرا که سلامت روانی آنان کمتر دچار نوسان می‌شود، از نظر جسمی با توجه به قوه تدبیرشان، بیشتر مورد توجه است و تبلیغات اجتماعی مفید برای خود را راحت‌تر و سریع‌تر می‌پذیرند و از پیشگامان هستند، روابط اجتماعی مسموم کمتری دارند.

منابع

- توکلی کوه‌جهری، مهدیه؛ کهرآزنی، فرهاد. (۱۳۹۶). رابطه ویژگی‌های شخصیتی با کیفیت زندگی همسران بیماران دچار ناتوانی جسمانی. مجله توانبخشی. ۱۸، ۲، صص ۱۳۲-۱۴۱.
- خانجانی، زینب؛ اکبری، سعیده. (۱۳۹۰). رابطه ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان و اعتیاد آنان به اینترنت. یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۶(۱۹)، صص ۱۱۳-۱۲۷.
- رعایی، فرزانه. (۱۳۹۴). بررسی تاثیر ویژگی‌های شخصیتی بر کیفیت زندگی، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ترکیه - استانبول، شرکت مدیران ایده پردازان پایتخت ایلیا.
- ریماز، شهناز، دستورپور، مریم، وصالی آذرشریبانی، سمیرا، ساعی پور، نرگس، بیگی، زهرا، نجات، سحرناز. (۱۳۹۳). بررسی کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن در زنان سرپرست خانوار تحت پوشش شهرداری منطقه ۹ شهر تهران. مجله اپیدمیولوژی ایران. ۱۰ (۲)

۵۵-۴۸:

- شاکریان، عطا؛ فاطمی، عادل؛ فرهادیان، مختار. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با رضایتمندی زناشویی، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۱۶(۱)، صص ۹۲-۹۹.

شاملو، سعید. (۱۳۹۱). مکاتب و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت. تهران: انتشارات رشد. چاپ دهم.

شکریازی، امید؛ حیاتی، صفر. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی (کیفیت ارتباطات و ویژگی‌های شخصیتی سالمندان) بین سالمندان ساکن در سرای سالمندان و سالمندان ساکن در خانواده مورد مطالعه: سالمندان شهر ارومیه. مطالعات جامعه‌شناسی، ۸ (۲۸)، صص ۹۴-۷۷.

فنی، زهره؛ حیدری، سامان؛ آقایی، پرویز. (۱۳۹۴). سنجش کیفیت زندگی شهری با تأکید بر جنسیت، مطالعه موردی: شهر قروه. دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۶ (۱۲)، صص ۶۵-۷۸.

کارگر شورکی، محمد حسین؛ حاجی محمدعلی جهرمی، مقداد؛ ناظری، علی؛ رشیدی، محمد مهدی. (۱۳۹۵). بررسی اثر ویژگی‌های شخصیتی بر روی تسهیم دانش و رفتار کاری نوآورانه کارکنان (مورد مطالعه: پژوهشگاه صنعت نفت). مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، ۷ (۲۸)، صص ۲۹-۵۳.

علی‌سرابی، امیر؛ شکری، صابر؛ میرزابابازاده، سهیلا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت زندگی، اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم تربیتی، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری حکیم عرفی شیراز.

میکاییلی، نیلوفر؛ قلی‌زاده، معصومه؛ کیامرثی، آذر. (۱۳۹۱). نقش ویژگی‌های شخصیتی و تصور از بدن در پیش‌بینی کیفیت زندگی دانشجویان دارای اختلال بی‌اشتهایی عصبی، یافته‌های نو در روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی)، ۷ (۲۴)، صص ۵-۱۹.

نظامی‌پور، الهام؛ احدی، حسن. (۱۳۹۴). نقش میانجی‌گرانه امید به زندگی در رابطه بین عامل‌های روان‌نژندی و برون‌گرایی و کیفیت زندگی بیماران دیالیزی. مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت، ۲ (۴)، صص ۵۸-۶۹.

References

- Bal, MD., Sahin, NH. (2011). The effects of personality traits on quality of life, Menopause, vol 18(12):1309-16.
- Chapman, B., Duberstein, P., Lyness, JM. (2007). Personality traits, education, and health-related quality of life among older adult primary care patients, J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci, Vol 62(6):P343-52.
- Chiu, YW., Moore, RW., Hsu, CE., Huang, CT., Liu, HW., Chuang, HY. (2008), Factors influencing women's quality of life in the latter half of life, Climacteric, vol 11(3), pp:201-11.
- Lafta, R. K., Hayawi, A. H., & Khudhairi, J. M. (2012). Medical and social problems among women headed families in Baghdad. Qatar medical journal, (2), 51-58.
- Liao, C.H., Lee. C.W. (2009). an Empirical Study Of Employee Job Involvement And Personality Traits: The Case Of Taiwan. Int. Journal of Economics and Management, 3(1), pp 22 – 36.

- Maddahi, M.E., khalatbari, J., Samadzade, M., Amraei, M., Ahmadi, R., Keikhayfarzaneh, M.M. (2011). The Study of the Quality of Life and Personality Traits of NEO Five Factors Concerning Death Anxiety in Shahed University Students, *International Journal of Scientific & Engineering Research*, Volume 2, Issue 12, pp 1-4.
- Pereira-Morales, A.J., Adan, A., Lopez-Leon, S., Forero, D. (2018). Personality traits and health-related quality of life: the mediator role of coping strategies and psychological distress, *Ann Gen Psychiatry* 17, 25 .
- Schneider-Matyka, D., Jurczak, A., Samochowiec, A., Karakiewicz, B., Szkup, M., Grzywacz, A., Grochans, E. (2016). Analysis of personality traits and their influence on the quality of life of postmenopausal women with regard to genetic factors, *Ann Gen Psychiatry*, vol 15(1): 25.
- Schyns, P., & Boelhouwer, J. (2004). The State of the City Amsterdam Monitor: Measuring Quality of Life in Amsterdam. In *Community Quality-of-Life Indicators* (pp. 133-152). Springer Netherlands.



استناد به این مقاله: آینه‌وند، صادقه، دلاور، علی، مظفری، افسانه و مجیدی قهرودی، نسیم. (۱۴۰۰). نقش ویژگی‌های شخصیتی در کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۷(۶۱)، ۱۸۹-۲۰۷. doi: 10.22054/jep.2022.48185.2821



Educational Psychology is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.